

در محله

عقب‌نشینی برای تردد روان و تسهیل مراجعه به ستاد ترخیص خودرو

ستاد ترخیص خودرو، مرکز تعویض پلاک موتور، بازار میوه و تره‌بار و کلاتری ۱۱۸ ستارخان باعث شده تا خیابان حبیباله به یکی از معابر پر تردد شهر تهران تبدیل شود در حالی که این معبر کشش این حجم از تردد روزانه را ندارد.

خیابان حبیب‌اله یکی از معابر قدیمی منطقه ۲ است که در گذر زمان اطرافش مراکز تجاری و اداری زیادی مانند ستاد ترخیص خودرو، مرکز تعویض پلاک، مرکز تفکیک زباله و موتورسنگین، ایستگاه آتش‌نشانی و غیره قرار گرفتند اما این خیابان کشش این همه مراجعه‌کننده را نداشت به همین دلیل علاوه بر مشکلات ترافیکی، حوادث زیادی در آن رخ می‌داد تا اینکه مدیران شهری طرح اصلاح هندسی و تعریض این خیابان را پیشنهاد کردند. این طرح‌ها در کمیته معابر سازمان حمل‌ونقل و ترافیک تصویب شد و اکنون در حال اجرایی شدن است. با اجرای این طرح که در مرحله نخست از تقاطع خیابان‌های سروش تا سیادت شروع شده، به عرض خیابان افزوده شده و در نتیجه امکان تردد خودروها افزایش می‌یابد. محمدحسین کریمی، معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهردار منطقه ۲ می‌گوید: «جرای طرح با عقب‌نشینی خیابان شروع شده و به‌زودی با آسفالت آن امکان تردد آسان فراهم می‌شود.»



خیبر

«داستانبان» شمارا داستان نویس می کند

آموزش مبانی و اصول پیشرفته داستان نویسی را در کارگاه داستان نویسی کتابخانه شیخ‌هادی نجم‌آبادی بیاموزید. این کارگاه آموزشی به‌طور رایگان برگزار می‌شود و هر دو هفته یکبار در کتابخانه شیخ‌هادی نجم‌آبادی میزبان علاقه‌مندان به داستان نویسی است.

مریم‌السادات پیرمحمدی، نویسنده و منتقد ادبی، از مربیان این کارگاه داستان‌نویسی است که می‌گوید: «در کارگاه داستان‌نویسی علاوه بر آموزش مبانی داستان‌نویسی، داستان‌های نویسندگان مبتدی و بررسی و راهکارهای مؤثر به آنها آموزش داده می‌شود. شخصیت‌پردازی مناسب، داستان‌پردازی خلاقانه و نقد و بررسی آثار نویسندگان جوان از اهداف مهم این کارگاه است. همچنین داستان‌های مشهور از نویسندگان صاحب‌قلم خوانش و نقد و بررسی می‌شود.» علاقه‌مندان می‌توانند برای شرکت در این کارگاه آموزشی به بلوار شهران، بعد از زبرگ‌تر شهید همت، فرهنگسرای معرفت مراجعه کنند. برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۴۸۵۸-۴۴۳۰ تماس بگیرید.

همین‌حوالی

بهبازی مخازن مکانیزه پسماند در محله‌های منطقه ۱۴

معاون خدمات شهری و محیط‌زیست شهر در منطقه ۱۴ از آغاز اجرای بهسازی مخازن مکانیزه پسماندهای شهری در محله‌های این منطقه خبر داد. معاون خدمات شهری و محیط‌زیست شهردار منطقه ۱۴ در این باره افزود: «هم‌زمان با نزدیک شدن به روزهای پایانی سال و در راستای طرح بهارن خدمت بهسازی مخازن پسماند‌های شهری در قالب رنگ‌آمیزی و بازسازی مخازن و زیرمخزنی‌ها به اجرا آمد.»

علیرضا بزگر مرادی با اشاره به استقرار اکیپ تجهیز و بهسازی مخازن مکانیزه در نواحی مختلف منطقه ۱۴ اضافه کرد: «در فاز نخست این طرح بیش از ۱۷۰ مخزن پسماند در نقاط مختلف جمع‌آوری و در حال جانمایی و تعویض است.» وی همچنین به بهسازی بیش از یک هزار مخزن مکانیزه پسماند در ماه‌های اخیر اشاره کرد و گفت: «طرح شست‌وشو، گندزدایی و رنگ‌آمیزی مخازن و زیرمخزنی‌ها با هدف ارتقای کیفیت خدمت‌رسانی، کاهش پراکندگی زباله‌های شهری در معابر عمومی، حفظ بهداشت محیط‌زیست و جلوگیری از شیوع بیماری‌ها در دستور کار است.» بزگر مرادی با بیان اینکه با برنامه‌ریزی منظم نسبت به رنگ‌آمیزی مخازن که نیاز به بازسازی دارند اقدام و این طرح تا نیمه اسفند به اتمام می‌رسد.



گزارش تریا روزبهبانی روزنامه‌نگار

۶–۷ ساله بود که بر اثر سانحه‌ای پای چپش آسیب دید و جراحی‌های متعدّد هم نتوانست به او کمک کند. او در سن جوانی تصمیم مبهمی گرفت تا این نداشته را با داشته‌های همیشگی مبادله کند. اکنون هادی شعبانی، جوان موفق، متخّرع و بنیانگذار عکاسی و نقاشی نابینایان، الگویی موفق برای هنوعانش است؛ چون به قول خودش، هرگز منتظر مسئولان نمانده است.

اغلب بیماران در بستر بیماری افسرده می‌شوند و به ناامیدی‌های زندگی فکر می‌کنند اما هادی شعبانی روی همال تخت بیمارستان نقاشی کشیدن را آغاز و مسال‌های بعد آن را حرف‌های دنبال کرد. آقاهادی درباره آن دوران می‌گوید: «شروع این راه با حضور در کانون پرورش فکری همراه بود و وقتی متوجه شدم استعدادی در این زمینه دارم، زیر نظر استادان مطرح، تخصصی‌تر آن را ادامه دادم. در فستیوال‌ها و ختلی نمایشگاه‌های مختلف شرکت و از این طریق درآمد هم کسب کردم. در طول این سال‌ها بدلیل مشکلات حرکتی با موانع زیادی در زندگی مواجه شدم. به همین خاطر تصمیم گرفتم به جای اینکه منتظر بمانم جامعه، خانواده یا اطرفیان و مسئولان مشکلاتم را حل کنند، راه‌حلی‌هایی را خودم برای رسیدن به موفقیت پیدا کنم.»

او با ایزد تأسف از اینکه اغلب معلولان اعتماد به نفس ندارند و از سوی دیگر، جامعه هم عقاید خود را به افراد تحمیل می‌کند و در نهایت این باورها اشتباه و سستی که «معلول نمی‌تواند، شکل می‌گیرد. بنابراین، الگوی موفق‌ی وجود نداشته که بتواند راهنمایش باشد؛» برای

در تشر



منتظر مسئولان نمی‌مانم

بنیانگذار عکاسی و نقاشی نابینایان از ادامه مسیر، کشف راه‌های نو و ثبت اختراعات جدید می‌گوید

مهارت‌آموزی و رشد علمی سراغ رشته‌های سبک رفتم که معلولان هم بتوانند از آن استفاده کنند. در کنار انجام فعالیت‌های هنری مثل مجسمه‌سازی و نقاشی و تحصیل، به مؤسسه‌ای که معلولان حمایت می‌کردند، معرفی شدم و داوطلبانه هر آنچه آموخته بودم از قبیل هنرهای تجسمی مثل نقاشی، سفالگری و مجسمه‌سازی را به آنها نیز آموزش دادم. همچنین در ادامه هم چون به عکاسی علاقه‌مند بودم، دوره‌های آموزشی عکاسی را در خانه عکاسان سپری کردم و عضو انجمن عکاسان ایران شدم.»

سکوی برش

حدود ۲۰ سال این عضو آسیب‌دیده را با خودش همراه داشت و با تصمیمی که شاید هر شخصی نتواند آن را اتخاذ کند با پایش خداحافظی کرد. شعبانی این تصمیم را به سکوی برش تشبیه می‌کند: «من معلولیت را در نوعی در سال‌های قبل آن تجربه کرده بودم اما به این نتیجه رسیدم که می‌توانم چیزی را از دست بدهیم برای به‌دست آوردن چیز دیگری. قبل از عمل، نمایشگاه عکاسی و نقاشی‌ام را افتتاح کردم و همین قدر فرصت داشتم‌م که لوازم را جمع کنم و به بیمارستان بروم. بعد از این عمل، دوچرخه‌سواری را به فعالیت‌های زندگی‌ام اضافه

فرهنگساز از طریق رسانه‌ها

موفقیت‌ها و ابداعات و تمام‌شدنی نیست و چشم‌انداز آینده‌اش را اینگونه به تصویر می‌کشد: «برای نخستین بار زانوی مصنوعی برای اوچرخه‌سواری اختراع کردم که اکنون ثبت آن در امریکانجام و بین‌المللی شده است. یک ابزار دیگر هم برای افراد معلولی که می‌خواهند اسکیت‌سواری کنند، طراحی کرده‌ام همچنین در حال نگارش کتابی از تجربیاتم و در حال تولید یادگست هستم. در نهایت مهم‌ترین خبر این است که هر وقت به‌های شعبانی رنگ زینتید ایران است: هنوز برنامه‌ریزی وهان قدر بالنگیزه، دنبال کشف راه‌های جدید وسایل جدید برای رفع محدودیت‌های انواع معلولیت‌ها اما معلول است که با فرهنگساز از طریق رسانه‌ها بافضاهای مجازی، فرد معلول را آگاه کنیم. هر اندازه معلولیت دار بد فقط کافی است افرادی شبیه به خودتان را که در گذشته این مسیر را طی کرده‌اند، پیدا کنید و از آن طریق بتوانید به تجربیات جدید پی‌بایید.»



منتظر مسئولان نمی‌مانم

کرم، یعنی آن جراحی منجر شده به دست‌دادن یک پا و به‌دست آوردن توانایی دوچرخه‌سواری. بعد از آن هم خلاقیّت‌های هنری‌ام باعث شد تا هر وسیله‌ای که می‌توانست برای ادامه این راه کمک کند، ولی وجود نداشت خودم طراحی کنم و بسازم.»

نابینایان عکاسی می‌کنند

شاید اینکه یک فرد، روشندل و نابینا بتواند عکاسی کند یاری‌یوم، نقشی را به تصویر بکشد، دور از ذهن و باور باشد، اما هادی شعبانی برای به واقعیت تبدیل کردن این رؤیا و آرزو هم روش‌ها وسایلی ابداع کرده است که نابینایان هم هنر عکاسی را تجربه می‌کنند و قلمو و پالت رنگ به‌دست می‌گیرند. این اختراعات باعث شده تا او به‌عنوان بنیانگذار «عکاسی نابینایان» نام برده شود. شعبانی درباره این اتفاق نادر می‌گوید: «با مطالعه و تحقیقی که روی افراد نابینا داشتم، ابداع روش‌هایی را مانند ترجمه کردن یک عمل از طریق ایزار باصداهایی که افراد نابینا بتوانند درک کنند مانند خواندن و نوشتن نابینایان با استفاده از خط بریل آغاز کردم. توانستم هم در رشته نقاشی و هم در رشته عکاسی ایزار و روش‌هایی را به‌کار بگیرم که آنها بتوانند عکاسی و نقاشی کنند. در همین راستا دوره‌های مختلف عکاسی و نقاشی و همچنین نمایشگاه‌هایی در



مکت



عشق و ارادت حاج‌حسینعلی به سرور و سالار شهیدان می‌گوید: «حاج حسین هم عشق به دستگاه‌اب‌عبدالله(ع) را از پدرش یاد گرفت و شد خدمتگزار این دستگاه. او از نوجوانی تا

۸۲سالگی و آخرین روزهای حیاتش میاندار و بزرگ هیئت بود. پهلوان زورخانه بود و با آن چندین بار آتش به مراسم عزاداری نظم می‌داد. رسم ماندگار او در میاناری اکنون سینه به سینه به جوانان هیئت رسیده است.»

از رستم آباد تا خاتم‌مقدم جبیهه

جنگ که شد و جوانان این مرز و بوم در مقابل گلوله‌های دشمن سینه‌سپر کردند، حاج‌حسینعلی ۵۰ساله بود اما شانه به شانه جوان‌های رستم‌آباد راهی خطوط مقدم جبیهه شد. هنوز عکس‌های حضور در جبیهه و مداحی و نوحه‌خوانی‌اش برای روزندگان در شب‌های عملیات میان اهل محل دست به‌دست می‌شود. شریفی می‌گوید: «جنگ که شروع شد به همراه جمعی از موسیقیدان محله به جبیهه رفت. حواشش به همه چیز بود، حتی به اینکه ممکن است دل روزندگان برای خانواده‌هایشان تنگ شود و برای تلفن کردن به آنهاسکه نداشته باشند. تعداد زیادی سکه آماده کرده بود و از خطوط مقدم ایلاد تاهاو از و. به روزندگان سکه می‌داد تا هر وقت دل‌شان تنگ خانه و خانواده‌شده به آنها تلفن کنند.»

رسم ماندگار حاج‌حسینعلی هنوز زنده است

اهالی رستم‌آباد، پیر غلام‌محبوب محله‌شان را با یک رسم ماندگار به‌خاطر می‌آورند. حاج‌حسینعلی موهبت میانداری و صدای گرم خود را سال‌ها وقف بر گزارِی مراسم تدفین و بزرگداشت شهدای محله کرده بود. او این رسم را برای درگذشتگان محله هم اجرا می‌کرد. اهالی محله هنوز به یاد دارند که چطور حاج‌حسینعلی رسم همسایگی را در حق آنها به‌جامی آورد و اجازه نمی‌داد خانواده‌های داغدار محله در روز درگذشت عزیزشان تنها بمانند. شریفی می‌گوید: «حاج‌حسینعلی علاوه بر اینکه در مراسم



مکت

هم‌شهری

بچه‌های مسجد

مریم باقریوز: روزنامه‌نگار

صفر تا صد مناسبت‌ها با بچه‌های مسجد

نوجوانانی که در مسجد در خشیده‌اند

کمتر روزی است که بیکار باشند، چون مناسبت‌های تقویم کم نیست و از طرفی بار مسئولیت برنامه‌های مسجد به دوش‌شان است. البته سن و سال زیادی ندارند اما در این سال‌ها با تشکیل گروه تواشیح، پذیرایی، خیریه، تدارکات و… توانست‌اند پرچم‌شان را در مسجد شناخته شده غرب تهران بالا نگه‌دارند. مسجد امام جعفر صادق(ع) محله صادقیه منطقه ۲ جزه مساجد شاخص تهران است که در هر مناسبتی مانند انتخابات، تظاهرات و مراسمی از این دست یکی از پایگاه‌های اصلی به‌شمار می‌آید. اما یکی دیگر از ویژگی‌های این مسجد برنامه‌هایی است که در آن برگزار می‌شود و در این میان بار اصلی کار به دوش نوجوانان مسجد است. این نوجوانان صفر تا صد کار را خودشان انجام می‌دهند.

کافی است که در تقویم مناسبتی نوشته شده باشد تا براساس آن برنامه‌هایی تدارک ببینند. مثلاً اگر جشن بزرگی باشد، عده‌ای به همان سن کم مسئولیت خرید شیرینی و شکلات را به‌عهده می‌گیرند و محدود و رضا که به سیستم‌های نرم‌افزاری رایانه آشنا هستند، پوسترو و پرچم‌های رنگی تهیه می‌کنند. یک عده هم سرودی را برای اجرای هماهنگ آماده کرده و می‌خوانند و تعدادی هم پیگیر وسایل لازم برای برپایی مسابقه می‌شوند.

محل برپایی جشن بچه‌های مسجد امام جعفر صادق(ع) هم

معمولا اطراف مسجد با ابتدای خیابان شه‌های صادقیه و در

برنامه‌هایی وسیع‌تر داخل فضای سبز میدان اول صادقیه است.

هادی فلاح، امام‌جماعت مسجد می‌گوید: «شور و هیجان نوجوانان

مسجد برای اجرای برنامه‌ها انقدر است که هیأت‌امنا در مرحله

طرح موضوع با برنامه‌ها موافقت کرده و بودجه را در اختیارشان

می‌گذارد. خوشبختانه هم همه برنامه‌ها جذاب و قابل توجه برای

مردم بوده است.»

تعداد بچه‌های نوجوان مسجد امام جعفر صادق(ع) در مرحله

برنامه‌ریزی معمولاً بین ۱۰ تا ۱۵ نفر است اما وقت اجرا به

۵۰ و گاهی ۶۰ نفر هم می‌رسد. فلاح می‌گوید: «بده‌های

بچه‌های مسجد همیشه جالب است. مثلاً در زمان کرونا، چون

نمی‌توانستند برنامه جمعی برگزار کنند، هر روز پیشنهادی

می‌دادند. مثلاً یک روز جلو مسجد ماسک و مواد ضدعفونی توزیع

می‌کردند و روز دیگر سراغ خانواده‌های سالمند می‌رفتند و در

خبرد و حتی تعمیرات منزل‌شان کمک‌کام می‌بودند.»

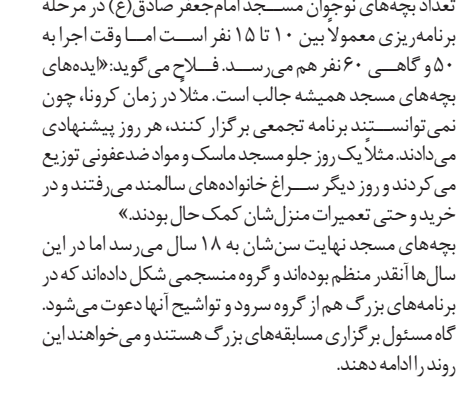
بچه‌های مسجد نهایت سن‌شان به ۱۸ سال می‌رسد اما در این

سال‌ها انقدر منظم بوده‌اند و گروه‌منسجمی شکل داده‌اند که در

برنامه‌های بزرگ هم از گروه سرود و تواشیح آنها دعوت می‌شود.

گاه مسئول برگزاری مسابقه‌های بزرگ هستند و می‌خواهند این

روند را ادامه دهند.



کار خوب مریم قاسمی: روزنامه‌نگار

جوانان مسجد فاطمیه موزه‌ای از یادگارهای شهیدا ساخته‌اند

از لباس اسرا در اردوگاه‌های عراق تا قمقه‌های گلوله‌خورده

تعدادی از بسیجیان و فعالان مسجد فاطمیه محله خزانه بخرایی یادگارهای شهدای معظم محله را جمع‌آوری و نگهداری می‌کنند تا پیام شهیدار به نسل آینده انتقال دهند. آنها این کار را از سال ۱۳۷۴ در منطقه ۱۶ آغاز کرده‌اند.

فعالان مسجد فاطمیه خزانه در همان مراحل ابتدایی کار متوجه شدند که اگر یادگارها و آثار برجمانده از شهدای منطقه ۱۶ مسجد و محله خودشان نگهداری شود، حسن تعلق محلی با خود به ارمان می‌آورد و تأثیر بیشتری در انتقال پیام شهیدا به نسل‌های آینده خواهد داشت. سیامک خستوو، فعال مسجد فاطمیه، بابیان این مطلب می‌گوید: «بسیاری از وصیت‌نامه‌های مکتوب و نوار کاست‌هایی که آخرین کلام شهیدا در آن ضبط شده، قبل از آنکه به‌دست خانواده‌هایشان برسد، به‌دست بچه مسجدی‌های محله فاطمیه(س) رسیده و خوانده و شنیده شده است. شاید به‌خاطر همین باشد که احساس تعلق به این یادگارها داریم و به همین دلیل است که بسیجیان و بچه‌مسجدی‌ها در این سال‌ها بسیار دلسوزانه برای حفظ یادگارهای شهیدا تلاش می‌کنند.»

سیامک خستوو لباس‌های آغشته به خون، چفیه، پلاک‌های خمیده، قمقه‌های سوراخ، عکس‌های یادگاری، سجاده‌های خاک‌آلود، کتیبه‌های عدا، عکس‌های امام(ره) و دیگر یادگارهای دالرمز مردان ۸ سال دفاع‌مقدس صحبت می‌کند و می‌گوید: «این آثار ارزشمند جمع‌آوری شده تا موزه شهدای محله را راه‌اندازی کنیم، ناگفته نماند که برای جمع کردن آنها تلاش‌های زیادی انجام شده، ما در مرحله نخست خانواده معظم شهیدار را شناسایی کردیم و به منزل‌شان رفتیم و کوله‌پشتی و یادگارهای شهدا را که بنیاد شهید پریشان آورد بود از آنها تحویل گرفتیم. برای آنها سخت بود که تنها یادگارهای فرزندان‌شان را در اختیار ما بگذارند اما وقتی از هدفمان می‌گفتیم آنها استقبال می‌کردند.»

تاکنون نزدیک به ۳هزار قطعه از وسایل شهدای این منطقه توسط جوانان مسجد فاطمیه جمع‌آوری شده و اکنون در موزه شهدای محله از آنها نگهداری می‌شود و در معرض دید عموم شهروندان قرار گرفته است.

